

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Nature of Revocation of an Offer in Iranian, English, and American Law

Samad Shoorcheh¹, Seyed Hossein Safaai^{*2}, Nejad Ali Almasi²

1. PhD Student, Department of Private Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Full Professor, Department of Private Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: hsafaii@iau.ac.ir

ABSTRACT

The issue of "revocation of an offer" constitutes one of the fundamental topics in contract law and is directly connected to the principle of freedom of will, the stability of transactions, and legal certainty. Adopting an analytical and comparative approach, the present study examines the permissibility, scope, and legal effects of revocation of an offer within three legal systems: Iran, England, and the United States of America. In Iranian law, the primary analytical foundations consist of the provisions of the Civil Code, relevant jurisprudential theories concerning unilateral juridical acts (*īqā'āt*), bindingness and permissibility, as well as the views of prominent legal scholars. Within this system, the general rule is that revocation of an offer is permissible prior to acceptance, except in exceptional cases such as consideration-based offers, binding promises, or situations in which customary indications demonstrate the offeror's commitment. In English law, the governing rules are derived from the common law and the principle that an offer remains dependent upon acceptance; accordingly, revocation is valid until acceptance is effected. Nevertheless, doctrines such as the option contract and the theory of legitimate reliance may, in certain circumstances, preclude revocation. American law reflects a broadly similar approach; however, the provisions of Section 2-205 of the Uniform Commercial Code and protective doctrines expand the scope of the offeror's obligations. This study demonstrates that despite structural differences, all three legal systems recognize the principle of revocability of offers, while adopting divergent approaches in identifying exceptions and in protecting the legitimate reliance of the offeree.

Keywords: *Revocation of an offer; Contract law; Legitimate reliance; English law; American law.*

How to cite: Shoorcheh, S., Safaai, S. H., & Almasi, N. A. (2023). The Nature of Revocation of an Offer in Iranian, English, and American Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 1(2), 66-83.



تاریخ ارسال: ۲ شهریور ۱۴۰۲
تاریخ بازنگری: ۲۳ آبان ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۱ آذر ۱۴۰۲
تاریخ چاپ: ۳۰ آذر ۱۴۰۲

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

ماهیت رجوع از ایجاب در حقوق ایران، انگلیس و آمریکا

صمد شورچه^۱، سیدحسین صفائی^{۲*}، نجاد علی الماسی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد تمام، گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: hsafaii@iau.ac.ir

چکیده

موضوع «رجوع از ایجاب» یکی از مباحث بنیادین در حقوق قراردادهاست که به طور مستقیم با اصل آزادی اراده، ثبات مبادلات و امنیت حقوقی مرتبط است. این پژوهش با رویکردی تحلیلی و تطبیقی، به بررسی امکان، حدود و آثار رجوع از ایجاب در سه نظام حقوقی ایران، انگلیس و ایالات متحده آمریکا می‌پردازد. در حقوق ایران، مبنای اصلی تحلیل، مواد قانون مدنی و نظریه‌های فقهی مرتبط با ایقاعات، لزوم و جواز، و نیز دیدگاه‌های برجسته حقوقدانان است. در این نظام، اصل بر امکان رجوع از ایجاب تا پیش از قبول می‌باشد، مگر در موارد استثنایی مانند ایجاب معوض، وعده‌نامه‌های الزام‌آور یا زمانی که قرائین عرفی دلالت بر التزام ایجاب‌کننده دارد. در حقوق انگلیس، قواعد مبتنی بر کامن‌لا و اصل «بستگی ایجاب به قبول» است و رجوع از ایجاب تا پیش از تحقق قبول معتبر است؛ با این حال، نهاد قرارداد اختیاری و نظریه اعتماد مشروع در برخی موارد مانع رجوع می‌شود. در حقوق آمریکا نیز رویکرد مشابهی دیده می‌شود، با این تفاوت که قواعد بند ۲۰۵-۲ قانون متحدالشکل تجاری و دکترین‌های حمایتی، دامنه تعهدات ایجاب‌کننده را گسترده‌تر می‌سازد. این مطالعه نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های ساختاری، هر سه نظام در پذیرش اصل رجوع از ایجاب مشترکند، اما در شناسایی استثنایا و حمایت از اعتماد مشروع مخاطب ایجاب، رویکردهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند.

کلیدواژگان: رجوع از ایجاب؛ حقوق قراردادها؛ اعتماد مشروع؛ حقوق انگلیس؛ حقوق آمریکا.

بحث «رجوع از ایجاب» یکی از بنیادی‌ترین موضوعات در قلمرو حقوق قراردادهاست؛ موضوعی که به‌ظاهر ساده می‌نماید، اما در مقام تحلیل، با مجموعه‌ای از اصول نظری، کارکردهای عملی و تفاوت‌های نظام‌مند در حقوق کشورهای مختلف گره می‌خورد. ایجاب، نخستین مرحله از فرایند انعقاد قرارداد است و با صدور آن، فضای انتظاری میان ایجاب‌کننده و مخاطب ایجاب شکل می‌گیرد. پرسش محوری این است که آیا ایجاب‌کننده می‌تواند در این فاصله زمانی از اراده خود عدول کرده و ایجاب را پس بگیرد یا خیر؟ این مسئله، به‌ویژه در مبادلات نوین که سرعت، قطعیت و اتکا بر رفتار طرف مقابل نقش اساسی دارد، اهمیتی دوچندان یافته است. در چنین بستری، تعیین حدود اختیار ایجاب‌کننده در رجوع و نیز میزان حمایت نظام حقوقی از اعتماد مخاطب ایجاب، از مسائل اساسی و تعیین‌کننده در تحلیل حقوقی محسوب می‌شود. در حقوق ایران، مباحث مربوط به رجوع از ایجاب ریشه در فقه امامیه، اصول حاکم بر ایقاعات، قواعد لزوم و جواز دارد. قانون مدنی ایران، هرچند در مواردی به این موضوع پرداخته است، اما به‌طور کامل نظام‌مند نیست و تفسیر مقررات و مبانی فقهی نقش مهمی در تبیین حدود رجوع ایجاب‌کننده دارد. در مقابل، در حقوق انگلیس و آمریکا که مبتنی بر کامن‌لا هستند، ساختار تحلیلی متفاوتی مشاهده می‌شود؛ به‌ویژه نظریه‌های نوینی مانند قرارداد اختیاری و حمایت از اعتماد مشروع، که می‌توانند محدودکننده حق رجوع باشند (Safaei, 2024). این تفاوت‌ها سبب شده است که مسئله رجوع از ایجاب، زمینه‌ای مناسب برای مطالعه تطبیقی فراهم کند.

هدف این پژوهش، واکاوی دقیق و نظام‌مند مفهوم، مبانی و آثار رجوع از ایجاب در سه نظام حقوقی ایران، انگلیس و آمریکا است. با بررسی تطبیقی این نظام‌ها، پژوهش می‌کوشد نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها را روشن سازد و نشان دهد که چگونه هر نظام

حقوقی، با اتکا بر مبانی نظری خاص خود، توازن میان آزادی اراده ایجاب‌کننده و حمایت از اعتماد مخاطب ایجاب را برقرار می‌کند. تبیین این تفاوت‌ها برای نظام حقوقی ایران اهمیت ویژه دارد؛ زیرا در عصر قراردادهای الکترونیکی، معاملات سریع و پیچیدگی روابط تجاری، تعیین دقیق حدود رجوع از ایجاب و شناسایی موارد الزام‌آور بودن ایجاب، نقشی اساسی در امنیت معاملاتی ایفا می‌کند. اهمیت و ضرورت این تحقیق از چند جهت قابل توجه است: نخست، خلأ مطالعات جامع و منسجم در حقوق ایران درباره تطبیق قواعد ایجاب و رجوع از آن با نظام‌های کامن‌لا وجود دارد. دوم، گسترش مبادلات بین‌المللی و ورود حقوق ایران به تعاملات حقوقی فرامرزی، نیازمند شناخت عمیق قواعد حقوقی کشورهای است که طرف‌های تجاری با آن‌ها مواجه‌اند. سوم، توسعه نظریه‌های حمایتی مانند اعتماد مشروع، در حقوق ایران نیز در دکترین و رویه قضایی مورد توجه قرار گرفته و پژوهش حاضر می‌تواند به غنای این روند کمک کند. بر اساس طرح پژوهش، پرسش اصلی تحقیق بدین شرح است: آیا ایجاب در حقوق ایران، انگلیس و آمریکا قابل رجوع است و هر نظام حقوقی چه حدود و آثاری برای رجوع از ایجاب شناسایی می‌کند؟ فرضیه متناظر با این پرسش چنین است: به نظر می‌رسد هر سه نظام حقوقی اصل رجوع‌پذیری ایجاب را پذیرفته‌اند، اما در تعیین استثنایا، محدوده زمانی امکان رجوع و میزان حمایت از اعتماد مخاطب ایجاب، رویکردهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. ابتدا مفاهیم بنیادین ایجاب و رجوع از ایجاب از منظر حقوق ایران تبیین می‌شود. سپس قوانین، رویه قضایی و نظریه‌های حقوق انگلیس و آمریکا مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد. در نهایت، یافته‌های تطبیقی برای پاسخ به پرسش اصلی و ارزیابی فرضیه تحقیق به‌کار گرفته می‌شود. بدین ترتیب، این مقدمه زمینه‌ای فراهم می‌کند تا تحلیل رجوع از ایجاب در سه نظام حقوقی مزبور نه تنها به‌عنوان

حسن نیت، ایجاب صادر شده را مسترد کند یا آن را تغییر دهد، بدون آنکه مسئولیتی برای خسارت احتمالی ایجاد شده به وجود آید (Kaviar et al., 2017).

مبنای تفکیک ایجاب لازم و جایز در حقوق ایران، ترکیبی از قواعد فقهی و قانون مدنی است. اصولاً قصد انشاء و قصد الزام‌آور، عناصر کلیدی در شناسایی ایجاب لازم محسوب می‌شوند. ماده ۳۳۸ قانون مدنی و نظریه‌های فقهی مرتبط، این تمایز را مشخص می‌سازد؛ به گونه‌ای که هر گاه ایجاب دارای قصد الزام‌آور باشد، عدول از آن به استثنای شرایط قانونی امکان‌پذیر نیست (Fallah & Saleh, 2014). از سوی دیگر، ایجاب جایز، نوعی «اعلان تمایل» محسوب می‌شود که تأثیر حقوقی آن تنها در صورت پذیرش طرف مقابل تحقق می‌یابد و پیش از آن، اختیار رجوع محفوظ است. در حقوق ایران، رجوع از ایجاب به عنوان یکی از مفاهیم اساسی قراردادها، نشان‌دهنده امکان بازپس‌گیری ایجاب توسط ایجاب‌دهنده پیش از پذیرش آن توسط مخاطب است. تحلیل این موضوع مستلزم شناسایی دقیق تفاوت میان رجوع و استرداد، تعیین زمان مؤثر رجوع و بررسی آثار حقوقی آن است. این مبحث، با تمرکز بر مبانی فقهی و قواعد مدنی، به تبیین حقوق و تکالیف طرفین پیش از انعقاد قرارداد می‌پردازد و چارچوبی روشن برای درک ماهیت حقوقی رجوع از ایجاب ارائه می‌کند.

۱-۱. تعریف رجوع از ایجاب

رجوع از ایجاب در حقوق ایران به معنای توانایی ایجاب‌دهنده برای بازپس‌گیری ایجاب خود پیش از پذیرش آن توسط مخاطب است. این مفهوم با استرداد ایجاب تفاوت بنیادین دارد، زیرا رجوع از ایجاب عملی حقوقی است که قبل از ایجاد تعهد الزام‌آور برای طرف مقابل انجام می‌شود و اساساً اثر آن بر اعتبار ایجاب است، نه بر اجرای تعهدات موجود. استرداد، بر خلاف رجوع، معمولاً به

یک بحث نظری، بلکه به مثابه مسئله‌ای کاربردی و مؤثر در ثبات معاملات و تنظیم روابط قراردادی مورد بررسی قرار گیرد.

۱. حقوق ایران

در چارچوب نظریه عمومی قراردادها، بررسی ایجاب از منظر «لازم»^۱ و «جایز» نقش مهمی در تحلیل ماهیت تعهدات پیش‌قراردادی و امکان رجوع از ایجاب دارد. این تمایز، پایه‌ای برای شناخت حدود آزادی طرفین، تأثیر قواعد فقهی و حقوقی، و قابلیت اجرای حقوقی اظهار اراده فراهم می‌کند. در حقوق ایران، ایجاب جایز و لازم با توجه به قواعد فقهی و مواد قانون مدنی مورد تفکیک قرار گرفته و معیارهایی چون قصد انشاء و اثر الزام‌آور مورد توجه است. در حقوق ایران، تمایز میان ایجاب لازم و ایجاب جایز نقش محوری در تحلیل حقوقی و فقهی روابط قراردادی دارد و مبنای ارزیابی امکان رجوع از ایجاب محسوب می‌شود. ایجاب لازم به آن دسته از ایجاب‌هایی اطلاق می‌شود که با قصد انشاء و ایجاد اثر الزام‌آور صادر می‌شوند و طرف ایجاب‌کننده پس از صدور، در صورت تحقق شرایط قانونی، حق رجوع از آن را ندارد. این نوع ایجاب، به‌ویژه در معاملات تجاری و قراردادهای دارای آثار مالی فوری، اهمیت دارد؛ زیرا قطعیت و امنیت حقوقی طرفین را تأمین می‌کند و زمینه سوءاستفاده یا اختلال در مبادلات را کاهش می‌دهد (Fallah & Saleh, 2014). در مقابل، ایجاب جایز به نوعی از اظهار اراده گفته می‌شود که امکان عدول یا رجوع از آن تا پیش از پذیرش طرف مقابل محفوظ است. این انعطاف حقوقی، ناشی از اصل آزادی اراده در نظریه عمومی قراردادها و تأکید فقه مدنی بر عدم الزام مطلق در برخی معاملات است. ایجاب جایز معمولاً در معاملات روزمره، مذاکرات مقدماتی و مواقعی که قصد ایجاد الزام فوری وجود ندارد، کاربرد دارد. در این چارچوب، ایجاب‌کننده می‌تواند با رعایت ضوابط قانونی و

Formation, and Validity of Contract). Ganj-e Danesh, S. H. Safaei, S. H. (2025). *Introductory Course on Civil Law: General Rules of Contracts (Vol. 2)*. Mizan Publications

^۱ در آثار برخی حقوقدانان و نویسندگان حقوقی، اصطلاح «ایجاب همراه با التزام» نیز به کاررفته است (Katouzian, N. (2024). *Civil Law Course: General Rules of Contracts (Vol. 1: Concept,*

نمی‌تواند بر مبنای ایجاب اولیه الزام آور شدن طرف مقابل را مطالبه کند.

تمایز میان رجوع و استرداد همچنین در آثار حقوقی این دو عمل نیز مشخص می‌شود. رجوع از ایجاب تنها اثر پیش‌قراردادی دارد و پس از پذیرش ایجاب، دیگر قابل اعمال نیست. استرداد، به ویژه در مواردی که به بازگرداندن مال یا حقوق مربوط است، می‌تواند حتی پس از شکل‌گیری قرارداد نیز مشروع باشد، مشروط بر رعایت اصول و ارکان قرارداد. این تفاوت موجب می‌شود که رجوع به عنوان ابزاری برای مدیریت فرآیند مذاکره و پیش‌قراردادی به کار رود، در حالی که استرداد بیشتر در حوزه اجرای تعهدات و حل اختلافات ناشی از قرارداد کاربرد دارد (Ranjbar, 2022).

یکی دیگر از جنبه‌های مهم رجوع از ایجاب، زمان مؤثر آن است. به موجب حقوق ایران، رجوع تنها در صورتی مؤثر است که پیش از پذیرش ایجاب توسط مخاطب صورت گیرد. اگر ایجاب به مخاطب رسیده باشد و وی تصمیم به پذیرش آن گرفته باشد، رجوع از ایجاب دیگر امکان‌پذیر نیست و ایجاب تبدیل به تعهد الزام‌آور می‌شود. این اصل تضمین می‌کند که تعادل میان آزادی ایجاب‌دهنده و اعتماد مخاطب به ایجاب حفظ شود و از ایجاد بی‌ثباتی در معاملات پیش‌قراردادی جلوگیری گردد (Mokarram & Shahlaei, 2025). در نهایت، رجوع از ایجاب در نظام حقوقی ایران با تأکید بر اصول فقهی و قواعد مدنی تحلیل می‌شود و امکان بازپس‌گیری ایجاب پیش از پذیرش را برای ایجاب‌دهنده فراهم می‌آورد.

۲-۱. زمان مؤثر رجوع

در نظام حقوقی ایران، زمان مؤثر رجوع از ایجاب یکی از اصول کلیدی در تعیین مشروعیت بازپس‌گیری ایجاب پیش از پذیرش است. این اصل مبتنی بر این فرض است که ایجاب‌دهنده تا زمانی که ایجاب به پذیرش طرف مقابل منجر نشده، اختیار بازپس‌گیری

معنای پس گرفتن اموال یا امتیازات منتقل شده است و در صورتی مشروع است که حقوق مالکیت یا تعهدات قراردادی طرفین ایجاب کند، نه اینکه پیش از شکل‌گیری قرارداد اعمال شود (Mokarram & Shahlaei, 2025). همچنین در همین راستا، برخی نویسندگان در ارتباط با تفاوت میان استرداد و رجوع چنین بیان داشته‌اند که، اصطلاح رجوع اختصاص به مواردی دارد که ایجاب به مخاطب واصل شده است، اما اصطلاح استرداد برای وضعیتی به کار می‌رود که ایجاب به مخاطب واصل نشده است (Safaei, 2024).

برخی نویسندگان اعتقاد دارند که در حقوق ایران، مفهوم مخالف ماده ۳۳۹ قانون مدنی مبنای حقوقی رجوع از ایجاب را تعیین می‌کند (Mirshekari, 2025)؛ زیرا در این ماده بیان شده است که: «پس از توافق بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن، عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می‌شود. ممکن است بیع به داد و ستد نیز واقع گردد.» در واقع مفهوم مخالف این ماده بیان می‌دارد که حتی اگر بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن توافق کنند، مادامی که ایجاب «و» قبول واقع نشود، عقدی شکل نمی‌گیرد؛ در نتیجه، با فقدان عقد، اساساً الزامی متصور نمی‌باشد. بنابراین، تمایز اصلی میان رجوع و استرداد در این است که رجوع یک اقدام پیش از ایجاد تعهد است، در حالی که استرداد متضمن بازگرداندن اموال یا حقوقی است که به موجب قرارداد یا قانون منتقل شده‌اند.

رجوع از ایجاب می‌تواند به صورت صریح یا ضمنی انجام شود، مشروط بر آنکه ایجاب‌دهنده اراده خود را به نحوی به مخاطب اعلام کند که برای وی قابل درک باشد. رجوع صریح شامل بیان مستقیم قصد بازپس‌گیری ایجاب است، در حالی که رجوع ضمنی ممکن است از طریق اعمالی آشکار شود که نشان‌دهنده عدم تمایل ایجاب‌دهنده به الزام‌آوری ایجاب است (Asghari, 2016). اثر حقوقی این رجوع، بی‌اعتباری ایجاب در مرحله پیش‌قراردادی است و مخاطب دیگر

بنابراین، زمان مؤثر رجوع همواره با محدودیت‌های زمانی که در خود ایجاب یا قانون تعیین شده، همراه است.

بازپس‌گیری ایجاب همچنین در معاملات رضایی و تشریفاتی تفاوت دارد. در عقود رضایی، بازپس‌گیری ایجاب تا زمان وصول ایجاب مشروع است، اما در عقود تشریفاتی، توجه به تشریفات و نحوه اطلاع‌رسانی نیز برای تعیین زمان مؤثر رجوع ضروری است (Mohtashami Ardakan, 2014). این تفاوت موجب می‌شود که در تحلیل قضایی و پژوهشی، نوع عقد و شیوه ارائه ایجاب معیار مهمی در تعیین مشروعیت رجوع از ایجاب باشد.

در جمع‌بندی، زمان مؤثر رجوع از ایجاب در حقوق ایران به معنای دوره زمانی است که ایجاب‌دهنده اختیار دارد تا قبل از ایجاد تعهد الزام‌آور برای مخاطب، ایجاب خود را پس بگیرد. این زمان با وصول ایجاب به مخاطب آغاز و تا پیش از پذیرش ادامه می‌یابد. رعایت این اصل موجب تضمین امنیت حقوقی در معاملات پیش‌قراردادی، جلوگیری از اختلافات و ایجاد تعادل میان آزادی ایجاب‌دهنده و اعتماد مخاطب به ایجاب می‌شود. تحلیل‌های علمی و قضایی اخیر، به ویژه در زمینه معاملات دیجیتال و هوشمند، اهمیت دقیق تعیین این بازه زمانی را برجسته کرده و توجه به شرایط ارسال، دریافت و اطلاع مخاطب را به عنوان عوامل تعیین‌کننده زمان مؤثر رجوع تأکید می‌کنند.

۲. حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس، رجوع از ایجاب مفهومی کلیدی در تحلیل مراحل شکل‌گیری قراردادها و تعهدات طرفین محسوب می‌شود و به معنای امکان بازپس‌گیری ایجاب قبل از پذیرش آن توسط مخاطب است. این مفهوم با قواعد معمول قراردادهای قراردادی و مکاتباتی پیوند دارد و نقش مهمی در تضمین تعادل میان آزادی اراده ایجاب‌دهنده و اعتماد مخاطب ایفا می‌کند. در این نظام حقوقی، علاوه بر قواعد عمومی رجوع، قاعده صندوق پستی و استثنائاتی مانند قرارداد اختیاری و ایجاب لازم، محدودیت‌ها و

آن را دارد و هرگونه اقدام پس از پذیرش فاقد اثر حقوقی در لغو ایجاب خواهد بود (Safaei, 2025). اهمیت این قاعده در تضمین تعادل میان آزادی ایجاب‌دهنده و اعتماد مخاطب به ایجاب نهفته است، زیرا مخاطب پیش از پذیرش می‌تواند بر اساس ارزیابی خود از ایجاب تصمیم‌گیری کند و پس از آن، تعهد الزام‌آور ایجاد می‌شود (Taherian, 2012).

در خصوص معاملات مکاتباتی، پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که زمان مؤثر رجوع می‌تواند با توجه به شرایط ارسال و دریافت ایجاب متفاوت باشد. ایجاب‌دهنده نمی‌تواند ادعا کند که ایجاب خود را پس گرفته است، اگر مخاطب پیش از اطلاع از رجوع تصمیم به پذیرش ایجاب گرفته باشد، حتی اگر اطلاع از رجوع به‌طور فیزیکی به دست او نرسیده باشد (Tousi, 2012). به این ترتیب، اصل بر این است که بازپس‌گیری ایجاب زمانی موثر است که پیش از ایجاد تعهد الزام‌آور توسط مخاطب انجام شود و این اصل در تمامی معاملات رعایت می‌شود.

مطالعات اخیر در خصوص عقود هوشمند و معاملات دیجیتال نیز نشان می‌دهد که زمان مؤثر رجوع باید با توجه به قابلیت دسترسی مخاطب به اطلاعات ایجاب و امکان پذیرش آن تعیین شود. به عبارت دیگر، رجوع از ایجاب تنها زمانی مشروع است که مخاطب هنوز امکان تصمیم‌گیری بر اساس ایجاب را نداشته باشد و سیستم‌های هوشمند باید این بازه زمانی را به‌طور دقیق رعایت کنند تا از بروز اختلاف و بی‌ثباتی در معاملات جلوگیری شود (Sabilan, 2023).

یکی از موارد پیچیده در تعیین زمان مؤثر رجوع، ایجاب‌های مشروط یا زمان‌دار است. در چنین مواردی، مدت معین برای اعتبار ایجاب تعیین شده و ایجاب‌دهنده نمی‌تواند پیش از پایان این مدت از ایجاب رجوع کند، مگر آنکه شرایط خاصی قانوناً اجازه دهد. این قاعده مبتنی بر اصل احترام به مدت تعیین‌شده و جلوگیری از ایجاد عدم قطعیت در معاملات است (Ghadiri, 2015).

مؤثر شدن لغو ایجاب دارد. طبق این قاعده، در مورد پذیرش ایجاب از طریق پست، پذیرش به محض ارسال نامه از سوی مخاطب مؤثر می‌شود، حتی اگر ایجاب‌دهنده هنوز آن را دریافت نکرده باشد، و این مسئله آثار قابل توجهی بر نحوه اعمال لغو ایجاب دارد (Arvind, 2022).

در راستای بازپس‌گیری ایجاب نیز حقوق انگلیس به شکل مشابه حقوق آمریکا انعطاف‌پذیری را می‌پذیرد، اما با تأکید بر شرایط ضمنی و قرارداد اختیاری. بازپس‌گیری ایجاب قبل از پذیرش مشروط، در صورتی که ایجاب‌دهنده تعهدی برای نگه داشتن ایجاب در مدت مشخص یا تحت شرایط معین نداشته باشد، به عبارت دقیق‌تر عوضی^۳ در برابر نگهداری ایجاب دریافت نکرده باشد، حتی در ایجاب لازم، مجاز است (Safaei, 2024). اما اگر ایجاب به صورت قرارداد اختیاری ارائه شده باشد، ایجاب‌دهنده نمی‌تواند آن را قبل از انقضای مدت مقرر یا تحقق شرایط خاص لغو کند، زیرا این امر با هدف حفظ تعهد و امنیت حقوقی مخاطب مغایرت دارد (Chen-Wishart, 2022).

در حقوق انگلیس، مفهوم شرایط ضمنی نیز نقش مهمی در بازپس‌گیری ایجاب دارد. ایجاب‌دهنده و مخاطب ممکن است به موجب عرف تجاری، رویه‌های جاری در صنعت یا توافقات ضمنی، شرایطی را برای پذیرش یا بازپس‌گیری ایجاب پیش‌بینی کرده باشند. این شرایط ضمنی می‌توانند اثر لغو یا بازپس‌گیری ایجاب را محدود کنند و تضمین کنند که روابط قراردادی بر پایه اطمینان و ثبات شکل گیرد (Chernykh & Kartan, 2025). تفاوت اساسی میان حقوق آمریکا و انگلیس در این است که حقوق انگلیس بیشتر به جنبه عملی اطلاع‌رسانی و قواعد عرفی توجه دارد و نقش قاعده پستی در تعیین زمان مؤثر لغو ایجاب بسیار برجسته است. همچنین، ایجاب لازم به معنای قانون‌گذاری شده در آمریکا وجود ندارد و در انگلیس چنین مفهومی عمدتاً از طریق

شرایط خاصی برای مشروعیت رجوع ایجاب می‌کنند که تحلیل دقیق آن‌ها برای درک کارکرد عملی رجوع ضروری است (Safaei, 2024). مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که رجوع در حقوق انگلیس، همزمان با رعایت زمان مؤثر و شرایط ابلاغ، نقش سازنده‌ای در تثبیت امنیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری معاملات دارد و این امر به ویژه در معاملات تجاری و مکاتبه‌ای اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند.

۱-۲. تعریف رجوع از ایجاب

در حقوق انگلیس می‌توان دو مفهوم متمایز را در چارچوب رجوع از ایجاب شناسایی کرد. نخست، لغو ایجاب^۱ که به معنای اقدام ایجاب‌دهنده برای خاتمه دادن به اثر الزام‌آور ایجاب پیش از پذیرش آن توسط مخاطب است و به محض اطلاع رساندن به مخاطب مؤثر می‌شود. دوم، بازپس‌گیری ایجاب^۲ که مفهومی کلی‌تر است و شامل هر گونه اقدامی برای پس گرفتن ایجاب قبل از پذیرش آن می‌شود، اعم از لغو ایجاب رسمی یا اعمال محدودیت‌های قراردادی و ضمنی که مانع پذیرش ایجاب توسط مخاطب شود. این دو مفهوم اساس تحلیل حقوقی رجوع از ایجاب در نظام انگلیسی را تشکیل می‌دهند و نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت و ثبات روابط قراردادی دارند (Andrews, 2020; Arvind, 2022).

در حقوق انگلیس، ماهیت رجوع از ایجاب نیز به صورت دوگانه قابل تحلیل است، اما رویکرد آن تفاوت‌های مهمی با حقوق آمریکا دارد. نخست، لغو ایجاب به معنای اقدامی است که ایجاب‌دهنده پیش از پذیرش ایجاب توسط مخاطب انجام می‌دهد تا اثر الزام‌آور ایجاب را از بین ببرد. این لغو، به محض اطلاع رساندن به مخاطب، مؤثر واقع می‌شود و بنابراین زمان و نحوه اطلاع از اهمیت بالایی برخوردار است (Andrews, 2020). بر خلاف حقوق آمریکا، در حقوق انگلیس مفهوم قاعده پستی نقش کلیدی در تعیین زمان

³ Consideration

¹¹ Revocation

² Withdrawal

دادگاه‌ها در حقوق انگلیس بازپس‌گیری ایجاب را مشروط به اطلاع‌رسانی مؤثر به مخاطب می‌دانند و عدم اطلاع‌رسانی یا تأخیر در آن موجب می‌شود که ایجاب همچنان معتبر باقی بماند و پذیرش بتواند قرارداد را شکل دهد. در این زمینه، اصول عدالت و حسن نیت در روابط قراردادی نقش کلیدی دارند و محدودیت زمانی بازپس‌گیری به عنوان ابزاری برای حفظ تعادل بین حقوق ایجاب‌دهنده و اعتماد مخاطب مورد توجه قرار گرفته است (Burrows, 2017). بررسی رویه‌های قضایی نشان می‌دهد که هرگاه بازپس‌گیری ایجاب قبل از دریافت پذیرش به مخاطب اطلاع داده نشود، ایجاب‌دهنده نمی‌تواند به استناد آن از اجرای قرارداد فرار کند. این رویکرد به تثبیت امنیت حقوقی در معاملات مکاتبه‌ای کمک می‌کند و پیش‌بینی‌پذیری معاملات تجاری را افزایش می‌دهد.

در مواردی که ایجاب شامل شرایط خاص یا محدودیت زمانی است، زمان مؤثر رجوع از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. به عنوان مثال، ایجاب‌هایی که به صورت ایجاب لازم یا قرارداد اختیاری ارائه می‌شوند، محدودیت‌هایی برای رجوع ایجاد می‌کنند و ایجاب‌دهنده نمی‌تواند پیش از پایان مدت معین یا قبل از تحقق شرط ضمنی، بازپس‌گیری ایجاب را اعمال کند (Cartwright, 2020). در این موارد، قوانین و رویه قضایی محدودیت‌های زمانی و شروط قراردادی را برای تضمین تعهدپذیری ایجاب‌دهنده اعمال می‌کنند و این امر موجب ثبات و اطمینان در معاملات تجاری می‌شود. بنابراین، زمان مؤثر رجوع نه تنها تابع اراده ایجاب‌دهنده است، بلکه تحت تأثیر شرایط قراردادی و رویه قضایی نیز قرار دارد.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که در حقوق انگلیس، لحظه‌ای که بازپس‌گیری ایجاب مؤثر می‌شود، بر پایه ارزیابی اطلاع مخاطب و زمان ارسال پذیرش تعیین می‌گردد. تفاوت اساسی با حقوق ایران در این است که در ایران، رجوع از ایجاب مشروط به وصول

قرارداد اختیاری و شرایط ضمنی شکل می‌گیرد، که انعطاف بیشتری برای تنظیم روابط قراردادی فراهم می‌کند. در نتیجه، بازپس‌گیری ایجاب در حقوق انگلیس بیشتر تابع توافقات ضمنی، عرف و قواعد عمومی قراردادها است تا قواعد خاص و قانونی که در آمریکا دیده می‌شود. در مجموع، ماهیت رجوع از ایجاب در حقوق انگلیس و آمریکا مشابه است، اما نحوه تحقق آن و محدودیت‌های قانونی و عملی متفاوت است (Safaei, 2024). لغو ایجاب و بازپس‌گیری ایجاب در هر دو نظام مفاهیم پایه‌ای هستند، اما انگلیس به اطلاع‌رسانی و عرف تجاری و قرارداد اختیاری بیشتر توجه دارد، در حالی که آمریکا قواعد مشخص قانونی، ایجاب لازم و مقررات شرح جدید قراردادها این فرآیند را محدود و دقیق می‌کنند.

۲-۲. زمان مؤثر رجوع از ایجاب

در حقوق انگلیس، زمان مؤثر رجوع از ایجاب از اهمیت اساسی برخوردار است زیرا تعیین لحظه‌ای که ایجاب‌دهنده می‌تواند بازپس‌گیری ایجاب را مشروعاً اعمال کند، مستقیماً بر اعتبار پذیرش و تشکیل قرارداد تأثیرگذار است. اصول عمومی حقوق قراردادها نشان می‌دهد که رجوع از ایجاب تنها قبل از پذیرش توسط مخاطب امکان‌پذیر است و هرگونه بازپس‌گیری پس از آن، معمولاً بلااثر و غیرقابل استناد خواهد بود (Baker & Zhou, 2017). تحلیل قواعد قضایی نشان می‌دهد که تأخیر در ابلاغ بازپس‌گیری ایجاب می‌تواند به پیامدهای حقوقی غیرمنتظره‌ای منجر شود، به‌ویژه در مواردی که پذیرش از طریق ارسال پاسخ مکاتبه‌ای انجام شده و قاعده پستی حاکم است. بر اساس این قاعده، پذیرش زمانی مؤثر است که در پست قرار گیرد، نه زمانی که به دست ایجاب‌دهنده می‌رسد، و بنابراین بازپس‌گیری ایجاب باید پیش از قرارگیری پاسخ در پست انجام شود تا اثر قانونی داشته باشد (Beale, 2019).

ایجاب به مخاطب است، اما در انگلیس، قاعده پستی می‌تواند مؤثر بودن پذیرش را پیش از اطلاع ایجاب‌دهنده تثبیت کند و بنابراین بازپس‌گیری ایجاب باید پیش از ارسال پذیرش انجام شود (Beale, 2019). این ویژگی سیستم انگلیسی انعطاف‌پذیری خاصی به معاملات مکاتبه‌ای می‌بخشد و تضمین‌کننده امنیت حقوقی طرفین است.

در مجموع، زمان مؤثر رجوع از ایجاب در حقوق انگلیس ترکیبی از اراده ایجاب‌دهنده، اطلاع‌رسانی مؤثر به مخاطب، و شرایط خاص قراردادی است. رجوع پیش از پذیرش، مشروط به اطلاع مخاطب، مشروع و معتبر است، در حالی که پس از پذیرش، معمولاً امکان‌پذیر نیست. ایجاب‌های ویژه مانند ایجاب لازم یا قرارداد اختیاری، محدودیت‌هایی برای رجوع ایجاد می‌کنند که نقش حفاظتی برای مخاطب و تعادل منافع طرفین دارد (Safaei, 2024). این نظام حقوقی با توجه به رویه قضایی، قواعد عمومی و استثنائات قراردادی، چارچوبی دقیق و پیش‌بینی‌پذیر برای زمان مؤثر رجوع از ایجاب فراهم می‌کند و امنیت و اعتماد در معاملات تجاری را تضمین می‌نماید (Burrows, 2017).

این چارچوب تحلیلی نشان می‌دهد که ارزیابی زمان مؤثر رجوع نیازمند توجه هم‌زمان به اراده ایجاب‌دهنده، شرایط اطلاع‌رسانی و محدودیت‌های قراردادی است تا اطمینان حاصل شود که بازپس‌گیری ایجاب با حقوق مخاطب تداخل نداشته و ایجاد تضاد حقوقی نکند. این تعادل، نقطه کلیدی در فهم عملکرد عملی رجوع از ایجاب در نظام حقوقی انگلیس است و زمینه‌ساز پیش‌بینی‌پذیری و ثبات در معاملات قراردادی به ویژه در معاملات مکاتبه‌ای محسوب می‌شود.

۳-۲. استثناءها

در حقوق انگلیس، استثناءهای مربوط به رجوع از ایجاب اهمیت ویژه‌ای دارند و محدودیت‌هایی را برای بازپس‌گیری ایجاب ایجاد می‌کنند که منطق عمومی بازپس‌گیری را تعدیل می‌نماید. دو

استثناء مهم در این زمینه عبارتند از قرارداد اختیاری و ایجاب لازم. قرارداد اختیاری به وضعیتی اشاره دارد که ایجاب‌دهنده متعهد می‌شود ایجاب خود را برای مدت معینی باز نگه دارد و در این مدت حق بازپس‌گیری ایجاب را ندارد. این نوع قراردادها در حقوق انگلیس به دلیل ایجاد تعهد موقت و الزام‌آور برای ایجاب‌دهنده، یک محدودیت مستقیم بر زمان مؤثر رجوع از ایجاب ایجاد می‌کنند. در این شرایط، رجوع از ایجاب قبل از پایان مدت معین مشروعیت ندارد و هرگونه بازپس‌گیری پیش از پایان مدت مقرر باطل تلقی می‌شود (DiMatteo, 2023). از منظر حقوقی، قرارداد اختیاری ابزار قانونی برای تثبیت امنیت حقوقی طرف پذیرنده است و تضمین می‌کند که ایجاب برای یک بازه زمانی مشخص معتبر باقی بماند و پذیرنده بتواند در آن بازه تصمیم خود را اتخاذ نماید.

ایجاب لازم استثناء دیگری است که محدودیت‌های مشابهی ایجاد می‌کند. ایجاب لازم نوعی ایجاب است که بر اساس شرایط قراردادی یا تجاری، برای مدتی مشخص غیرقابل بازپس‌گیری تلقی می‌شود. در موارد ایجاب لازم، اراده ایجاب‌دهنده برای بازپس‌گیری ایجاب محدود شده است و حتی اگر قصد بازپس‌گیری وجود داشته باشد، پس از صدور ایجاب و در بازه زمانی تعیین‌شده، امکان اعمال آن وجود ندارد (Eisenberg, 2018). این نوع ایجاب در معاملات تجاری و قراردادی که نیاز به ثبات و پیش‌بینی دارند، کاربرد فراوانی دارد و نقش حفاظتی برای مخاطب ایفا می‌کند تا از تغییرات ناگهانی اراده ایجاب‌دهنده در امان باشد.

کاربرد قاعده پستی نیز در بررسی این استثناءها مؤثر است، زیرا پذیرش ایجاب اختیاری یا ایجاب لازم اغلب از طریق ارسال پاسخ مکاتبه‌ای انجام می‌شود. بر اساس این قاعده، پذیرش در زمان ارسال مؤثر تلقی می‌شود، نه در زمان دریافت توسط ایجاب‌دهنده. بنابراین، حتی اگر ایجاب‌دهنده قصد بازپس‌گیری ایجاب را داشته

باشد، در صورتی که پذیرش قبل از اطلاع ایجاب‌دهنده ارسال شود، بازپس‌گیری اثر قانونی نخواهد داشت (Finch & Fafinski, 2024). این رویه حقوقی امنیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری معاملات را تقویت می‌کند و تضاد احتمالی میان اراده ایجاب‌دهنده و اعتماد مخاطب را کاهش می‌دهد.

تحلیل قضایی نشان می‌دهد که محدودیت‌های ناشی از قرارداد اختیاری و ایجاب لازم، یک سازوکار تعادلی در حقوق انگلیس ایجاد می‌کند. این استثناءها تضمین می‌کنند که مخاطب ایجاب بتواند بر مبنای اعتماد به ایجاب تصمیم‌گیری نماید و از لغو ناگهانی ایجاب جلوگیری شود. در نتیجه، ایجاب‌دهنده به رغم داشتن حق عمومی بازپس‌گیری، در شرایط مذکور محدودیت قانونی پیدا می‌کند (Haidar, 2021). این نظام حقوقی انعطاف‌پذیری مناسبی فراهم می‌آورد تا هم امنیت حقوقی ایجاب‌دهنده حفظ شود و هم اعتماد و حق مخاطب تضمین گردد. از منظر حقوقی، قرارداد اختیاری و ایجاب لازم در واقع ابزاری برای مدیریت ریسک معاملات و جلوگیری از عدم قطعیت در روابط قراردادی هستند. ایجاب‌دهنده با صدور ایجاب در قالب این استثناءها، نه تنها اراده خود را محدود می‌نماید، بلکه به مخاطب امکان تصمیم‌گیری آگاهانه و مطمئن در بازه زمانی مشخص را می‌دهد. این رویکرد در حقوق انگلیس به ایجاد تعادل میان آزادی قراردادی و امنیت حقوقی طرفین معاملات منجر می‌شود و به عنوان یکی از اصول مهم در معاملات مکاتبه‌ای و تجاری شناخته می‌شود (Harrington, 2018).

در مجموع، استثناءهای قرارداد اختیاری و ایجاب لازم در رجوع از ایجاب چارچوب قانونی مشخصی ارائه می‌کنند که زمان مؤثر بازپس‌گیری ایجاب را محدود می‌سازد و تضمین‌کننده امنیت حقوقی و ثبات در معاملات تجاری است. این محدودیت‌ها، با توجه به اراده ایجاب‌دهنده، شرایط قراردادی و قاعده پستی، تعیین‌کننده لحظه‌ای هستند که بازپس‌گیری ایجاب مشروع است.

بدون اعمال این استثناءها، انعطاف‌پذیری و پیش‌بینی‌پذیری معاملات کاهش می‌یابد و امکان بروز تضاد میان طرفین افزایش می‌یابد. بنابراین، حقوق انگلیس با شناسایی و اعمال این استثناءها، چارچوبی دقیق و هماهنگ برای مدیریت رجوع از ایجاب فراهم می‌آورد که هم منافع ایجاب‌دهنده و هم اعتماد مخاطب را متوازن می‌سازد.

۳. حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا، ماهیت رجوع از ایجاب با توجه به اصول حاکم بر تشکیل قرارداد و مقررات حاکم بر معاملات تجاری، چارچوبی دقیق و منعطف دارد. این ماهیت، علاوه بر شناسایی حق بازپس‌گیری ایجاب توسط ایجاب‌دهنده، محدودیت‌ها و شرایطی را نیز برای اعمال آن مشخص می‌سازد. بررسی رجوع از ایجاب در این نظام حقوقی مستلزم توجه به زمان مؤثر رجوع، شرایط قانونی بازپس‌گیری، و استثناءهای پیش‌بینی‌شده در مقررات شرح جدید قراردادها و قانون متحدالشکل تجاری است. این بررسی نشان می‌دهد که حقوق آمریکا با درک اهمیت ثبات اراده و امنیت معاملات، تعادل میان آزادی قراردادی ایجاب‌دهنده و اعتماد مخاطب را برقرار می‌کند و ابزارهای قانونی متعددی برای تضمین این تعادل فراهم می‌آورد.

مباحث مرتبط با رجوع از ایجاب در آمریکا شامل تعریف و شناسایی حق بازپس‌گیری، تعیین زمان مؤثر آن، و بررسی استثناءهای قانونی مانند ایجاب لازم ذیل قانون متحدالشکل تجاری می‌شود که در عمل از لغو ایجاب در شرایط خاص جلوگیری می‌کند و ثبات و پیش‌بینی‌پذیری قراردادها را تضمین می‌نماید. این چارچوب قانونی، امکان تجزیه و تحلیل دقیق رجوع از ایجاب را فراهم کرده و زمینه مقایسه تطبیقی با سایر نظام‌های حقوقی از جمله ایران و انگلیس را نیز فراهم می‌آورد.

۳-۱. تعریف رجوع از ایجاب

در حقوق آمریکا، ماهیت رجوع از ایجاب با دو مفهوم اصلی تفکیک می‌شود که به‌طور همزمان شاکله عملی و نظری قواعد قراردادهای را تشکیل می‌دهند: لغو ایجاب^۱ و بازپس‌گیری ایجاب^۲. لغو ایجاب به معنای اقدامی است که ایجاب‌دهنده پیش از پذیرش ایجاب توسط مخاطب، برای فسخ و از میان برداشتن اثر الزام‌آور ایجاب انجام می‌دهد و به‌عنوان یک رویه شناخته‌شده در حقوق قراردادهای آمریکا پذیرفته شده است. طبق مقررات شرح جدید قراردادهای، اثر لغو ایجاب تنها زمانی متحقق می‌شود که اطلاع آن به مخاطب ایجاب رسیده باشد، مگر در موارد خاصی که ایجاب لازم باشد که خود تابع قواعد استثناء مشخص است (Benson, 2019).

لغو ایجاب در عمل تابع شرایط زمانی و قانونی مشخصی است و اثر آن پیش از پذیرش ایجاب توسط مخاطب محدود است. به‌طور نمونه، ایجاب‌دهنده نمی‌تواند یک ایجاب لازم را که مطابق قانون متحدالشکل تجاری برای مدتی مشخص و بدون نیاز به پذیرش فوری برقرار شده، به‌صورت یک‌طرفه قبل از انقضای مدت مقرر لغو کند (Bix, 2018). این قاعده به‌منظور تضمین ثبات و اطمینان در معاملات تجاری وضع شده و نشان‌دهنده محدودیت‌های عملی و حقوقی بازپس‌گیری ایجاب در مواردی است که قانونگذار ایجاب را «لازم» تشخیص داده است.

از سوی دیگر، مفهوم بازپس‌گیری ایجاب عام‌تر از لغو ایجاب است و شامل هرگونه اقدامی می‌شود که ایجاب‌دهنده قصد دارد اثر الزام‌آور ایجاب را از بین ببرد، اعم از لغو رسمی یا شرایطی که به موجب توافق ضمنی یا شرایط قراردادی ایجاد شده است. بازپس‌گیری ایجاب ممکن است قبل از پذیرش، همزمان با پذیرش مشروط، یا حتی در موارد خاص پس از پذیرش با توافق طرفین صورت گیرد و محدودیت‌های قانونی خاص خود را دارد (Corbin, 1993). بازپس‌گیری، با توجه به طبیعت

انعطاف‌پذیرتر آن نسبت به لغو ایجاب، امکان تنظیم شرایط پیش‌قراردادی، توافقات موقت و قراردادهای اختیاری را فراهم می‌آورد و به ایجاب‌دهنده اجازه می‌دهد کنترل بیشتری بر فرآیند ایجاد تعهدات داشته باشد. در حقوق آمریکا، تعیین زمان و نحوه مؤثر شدن بازپس‌گیری ایجاب اهمیت ویژه دارد (Safaei, 2024). برای نمونه، اگر بازپس‌گیری ایجاب پیش از رسیدن اطلاع به مخاطب صورت گیرد، اصولاً بی‌اثر است و مخاطب هنوز حق پذیرش ایجاب را داراست، مگر آنکه ایجاب لازم یا قرارداد اختیاری باشد که بر اساس آن، ایجاب‌دهنده متعهد به عدم لغو یا بازپس‌گیری در مدت مشخص است (Devenney, 2024). این رویکرد، همسو با اصل اعتماد و حسن نیت در معاملات، مانع از ایجاد عدم قطعیت و بی‌ثباتی در روابط قراردادی می‌شود و با هدف حمایت از طرفین و تأمین امنیت حقوقی در معاملات تجاری طراحی شده است.

قواعد استثناء در این زمینه نیز کاربرد گسترده دارند. به‌عنوان مثال، در مورد ایجاب لازم، ایجاب‌دهنده نمی‌تواند بدون رعایت شرایط مقرر در قانون متحدالشکل تجاری و بدون اخطار مناسب اقدام به لغو یا بازپس‌گیری ایجاب کند. این قواعد، ضمن حفظ قابلیت انعطاف بازپس‌گیری، تضمین می‌کنند که معاملات تجاری بر پایه اطمینان و پیش‌بینی‌پذیری استوار باشد (Benson, 2019). همچنین، مقررات شرح جدید قراردادهای شرایطی را برای بازپس‌گیری ایجاب در مواردی پیش‌بینی کرده است که ایجاب‌دهنده و مخاطب بر محدودیت‌های زمانی و مکانی توافق کرده باشند و یا پذیرش ایجاب منوط به تحقق شرایط خاصی شده باشد، که نشان‌دهنده اهمیت شرایط ضمنی و قواعد استثناء در تنظیم روابط قراردادی است (Bix, 2018).

به‌طور خلاصه، ماهیت رجوع از ایجاب در حقوق آمریکا شامل دو لایه اصلی است: لغو ایجاب که بیشتر محدود به زمان پیش از

² Withdrawal

¹ Revocation

خاصی، ایجاب را لغو کند، حتی اگر پذیرش صورت نگرفته باشد (Farnsworth, 2010). این قاعده به‌ویژه در معاملات تجاری و فروش کالاها، تضمین‌کننده ثبات و پیش‌بینی‌پذیری تعهدات است و از بی‌ثباتی و نقض اعتماد در بازار جلوگیری می‌کند.

قانون متحدالشکل تجاری همچنین بر محدودیت زمانی بازپس‌گیری ایجاب عادی تأکید دارد. اگر ایجاب‌دهنده قصد بازپس‌گیری ایجاب را داشته باشد، این بازپس‌گیری باید پیش از وصول پذیرش به مخاطب انجام شود. لحظه وصول، به عنوان معیار سنجش زمان مؤثر رجوع در این نظام حقوقی مورد توجه است و بر اساس آن، بازپس‌گیری‌ای که پس از دریافت پذیرش انجام شود، بی‌اثر خواهد بود (Graziano, 2019). این قاعده، تفاوت ماهوی میان ایجاب‌های عادی و ایجاب لازم ایجاد می‌کند و نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری حقوق آمریکا در هماهنگی میان آزادی ایجاب‌دهنده و حفاظت از اعتماد مخاطب است.

مقررات شرح جدید قراردادها، افزون بر زمان وصول پذیرش، نوع ارتباط میان بازپس‌گیری و پذیرش را نیز مشخص می‌سازد. بازپس‌گیری ایجاب باید به نحوی به مخاطب اطلاع داده شود که رسیدن آن قبل از پذیرش قابل اثبات باشد. در این راستا، سیستم حقوق آمریکا به پذیرش از طریق ارسال نامه یا ابزارهای ارتباطی الکترونیکی نیز توجه دارد، اما لحظه وصول همچنان مبنای اصلی تعیین زمان مؤثر رجوع است (Friedman, 2020). این رویکرد، با ایجاد چارچوبی شفاف، امکان تنظیم و پیش‌بینی معاملات را برای طرفین قرارداد افزایش می‌دهد و از منازعات احتمالی در خصوص زمان و صحت بازپس‌گیری جلوگیری می‌کند.

در تحلیل تطبیقی، می‌توان مشاهده کرد که نظام حقوق آمریکا، با تفکیک میان ایجاب‌های عادی و ایجاب لازم، و با تعریف دقیق لحظه وصول و اطلاع از بازپس‌گیری، به توازن میان حقوق ایجاب‌دهنده و اطمینان مخاطب پرداخته است. علاوه بر این،

پذیرش و شرایط قانونی خاص است و بازپس‌گیری ایجاب که مفهوم عام‌تری است و می‌تواند طیف گسترده‌ای از اعمال ایجاب‌دهنده برای از میان برداشتن اثر ایجاب را در برگیرد. ترکیب این دو مفهوم، امکان تنظیم انعطاف‌پذیر روابط قراردادی و رعایت تعادل میان حق ایجاب‌دهنده و امنیت حقوقی مخاطب را فراهم می‌کند و به عنوان یک چارچوب تحلیلی دقیق، همخوانی بالایی با مفهوم رجوع از ایجاب در حقوق ایران و انگلیس دارد، با این تفاوت که در آمریکا این چارچوب با قواعد استثناء و ایجاب لازم تقویت شده و جنبه‌های قانونی آن مشخص و متمایز از بازپس‌گیری عام است.

۳-۲. زمان مؤثر رجوع

در حقوق آمریکا، زمان مؤثر رجوع از ایجاب به عنوان یکی از عناصر بنیادین تعیین‌کننده امنیت و پیش‌بینی‌پذیری معاملات، تحت تأثیر مقررات شرح جدید قراردادها و قانون متحدالشکل تجاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نظام حقوقی، با تکیه بر اصل آزادی قراردادی و ضرورت حفظ اعتماد متعاملین، مشخص می‌کند که بازپس‌گیری ایجاب توسط ایجاب‌دهنده تا چه زمان و تحت چه شرایطی مشروع است. بر اساس مقررات شرح جدید قراردادها، ایجاب‌دهنده تا زمانی که ایجاب پذیرفته نشده باشد، حق بازپس‌گیری ایجاب را دارد، مشروط بر آنکه بازپس‌گیری قبل از پذیرش به اطلاع گیرنده رسیده باشد (DiMatteo & Hogg, 2016). بنابراین، لحظه‌ای که پذیرش به ایجاب‌دهنده اطلاع داده می‌شود، نقطه پایانی برای امکان رجوع از ایجاب به شمار می‌رود. در چارچوب قانون متحدالشکل تجاری، مقررات بخش ۲۵-۲۰۶ و بخش‌های مرتبط با ایجاب و پذیرش، این زمان‌بندی با جزئیات بیشتری مشخص شده است. قانون متحدالشکل تجاری، ایجاب‌دهنده را از بازپس‌گیری ایجاب در مواردی که قرارداد اختیاری یا ایجاب لازم برقرار شده باشد، محدود می‌کند. در ایجاب لازم، ایجاب‌دهنده نمی‌تواند تا مدت معین یا تا تحقق شرط

مقررات شرح جدید قراردادها و قانون متحدالشکل تجاری، چارچوبی هماهنگ فراهم کرده‌اند که تضمین می‌کند بازپس‌گیری ایجاب صرفاً در شرایط قانونی معتبر باشد و از اعمال یکجانبه و نابهنگام جلوگیری شود (DiMatteo & Hogg, 2016).

به طور خلاصه، زمان مؤثر رجوع تحت مقررات شرح جدید قراردادها و قانون متحدالشکل تجاری، لحظه‌ای است که ایجاب هنوز پذیرفته نشده و بازپس‌گیری قبل از اطلاع مخاطب از پذیرش انجام شده باشد. ایجاب لازم و قرارداد اختیاری از مهم‌ترین استثناءها هستند که امکان بازپس‌گیری ایجاب را محدود می‌کنند و به تعادل میان ثبات معاملات و آزادی اراده طرفین کمک می‌کنند. این چارچوب، زمینه‌ای شفاف و قابل پیش‌بینی برای اعمال حقوق ایجاب‌دهنده فراهم می‌آورد و همزمان، امنیت حقوقی و اعتماد در معاملات تجاری را تضمین می‌کند.

۳-۳. استثناءها

در نظام حقوقی آمریکا، استثناءهای مرتبط با بازپس‌گیری ایجاب عمدتاً در ایجاب لازم ذیل قانون متحدالشکل تجاری مورد توجه قرار می‌گیرند. ایجاب لازم به معنای ایجابی است که توسط ایجاب‌دهنده، برای مدت زمان مشخص یا تا تحقق شرط معینی، بدون امکان لغو، ارائه می‌شود و این قاعده در بخش ۲۵-۲۰۵ قانون متحدالشکل تجاری به‌وضوح بیان شده است. این مقررۀ تصریح می‌کند که یک ایجاب لازم، حتی بدون دریافت عوض، برای مدت تعیین شده توسط ایجاب‌دهنده، قابل رجوع نیست و ایجاب‌دهنده نمی‌تواند پیش از انقضای مدت مقرر یا تحقق شرط مورد نظر، اقدام به بازپس‌گیری ایجاب نماید (Farnsworth, 2010). این محدودیت حقوقی، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در معاملات تجاری را تضمین می‌کند و از اعمال یک‌جانبه و نابهنگام ایجاب‌دهنده جلوگیری می‌نماید.

ایجاب لازم تحت قانون متحدالشکل تجاری، با تأکید بر اطلاع‌رسانی و زمان مؤثر بازپس‌گیری، چارچوب مشخصی ارائه

می‌دهد. مطابق این مقررات، حتی اگر پذیرش هنوز صورت نگرفته باشد، ایجاب‌دهنده حق ندارد ایجاب را لغو کند مگر در مواردی که مدت معین شده به پایان رسیده باشد یا شرط خاصی محقق شده باشد. این موضوع نشان‌دهنده آن است که قانون متحدالشکل تجاری، ایجاب را به‌عنوان ابزاری الزام‌آور برای حفظ تعادل میان آزادی اراده ایجاب‌دهنده و اعتماد مخاطب تلقی می‌کند (Graziano, 2019).

در ایجاب لازم، محدودیت‌ها صرفاً زمانی اعمال نمی‌شوند بلکه ماهیت حقوقی ایجاب نیز اهمیت دارد. ایجاب‌دهنده موظف است که به مخاطب این نوع ایجاب اطلاع دهد و هرگونه اقدام به بازپس‌گیری بدون رعایت شرایط مذکور، بی‌اثر خواهد بود. چنین رویکردی به وضوح در مقررات ۲۵-۲۰۵ و تفسیرهای قضایی مرتبط با آن مشاهده می‌شود و هدف آن ایجاد اطمینان و جلوگیری از نقض اعتماد در جریان معاملات تجاری است (DiMatteo & Hogg, 2016).

مقایسه با سایر انواع ایجاب‌ها نشان می‌دهد که ایجاب لازم محدودیت بیشتری بر آزادی ایجاب‌دهنده اعمال می‌کند. بر خلاف ایجاب‌های عادی که بازپس‌گیری تا پیش از پذیرش مجاز است، ایجاب لازم، حتی در غیاب پذیرش، قابلیت بازپس‌گیری ندارد. این اصل، امکان برنامه‌ریزی مطمئن برای طرف مقابل و کاهش ریسک تجاری را فراهم می‌سازد و نقش کلیدی در تجارت بین‌المللی ایفا می‌کند (Friedman, 2020).

یکی دیگر از وجوه مهم ایجاب لازم، عدم نیاز به دریافت ملاحظات اضافی برای تضمین الزام‌آور بودن آن است. در قوانین عمومی قراردادها، الزام‌آور بودن ایجاب معمولاً مستلزم ارائه ملاحظات است، اما در ایجاب لازم، این الزام با هدف ایجاد ثبات در معاملات تجاری و حمایت از اعتماد طرف مقابل، از دریافت ملاحظات بی‌نیاز شده است (Farnsworth, 2010). این

است که این رجوع می‌تواند مشروعیت یابد یا محدود شود. در حقوق ایران، رجوع از ایجاب، هرچند به‌طور کلی مجاز است، اما تحت تأثیر اصول فقهی و قواعد کلی لزوم و اطمینان طرفین، محدودیت‌هایی پیدا می‌کند. این محدودیت‌ها عمدتاً برای حفظ اعتماد مخاطب ایجاب و جلوگیری از ضررهای ناشی از تغییر ناگهانی اراده ایجاب‌کننده اعمال می‌شوند و نشان می‌دهند که اراده مطلق در تعاملات قراردادی به هیچ وجه بی‌حد نیست.

در حقوق انگلیس و آمریکا، رویکرد تحلیلی و کاربردی کاملاً، با تأکید بر نظریه‌هایی مانند «اعتماد مشروع» و «قرارداد گزینه‌ای»، به وضوح نشان می‌دهد که ایجاب‌کننده نمی‌تواند بدون محدودیت از ایجاب عدول کند. این سیستم‌ها با ایجاد ابزارهایی برای حفاظت از طرف مقابل، سعی در ایجاد ثبات و اطمینان در معاملات دارند. در واقع، حمایت از اعتماد مخاطب ایجاب به‌عنوان یک اصل عملیاتی، موجب می‌شود که رجوع از ایجاب نه یک امر مطلق بلکه مقید به شرایط و آثار مشخص باشد. این رویکرد در مقام اجرا، کارکرد پیش‌بینی‌پذیری و اطمینان بخشی به معاملات را تقویت می‌کند و نشان می‌دهد که حقوق تطبیقی می‌تواند با ایجاد چارچوب‌های منعطف، هم آزادی اراده و هم امنیت قراردادها را متوازن سازد.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که هر چند اصول و مبانی هر نظام متفاوت است، هدف نهایی مشترک حفظ تعادل میان حقوق ایجاب‌کننده و اعتماد مخاطب است. تفاوت‌ها در جزئیات، از جمله زمان مجاز برای رجوع، پیامدهای حقوقی رجوع غیرموجه و میزان الزام‌آوری ایجاب، نه به معنای تناقض ماهوی، بلکه نمایانگر انعطاف هر نظام در پاسخ به نیازهای اجتماعی و اقتصادی خود است. در حقوق ایران، انعطاف بیشتر بر تفسیر فقهی و قواعد کلی قراردادی متکی است، در حالی که در حقوق انگلیس و آمریکا، ابزارهای قراردادی و نظریه‌های قضایی نقش تعیین‌کننده دارند.

ویژگی، ایجاب لازم را به ابزاری قدرتمند برای تنظیم معاملات با مدت زمان معین و شرایط مشخص تبدیل می‌کند.

با توجه به مقررات قانون متحدالشکل تجاری، ایجاب لازم همچنین با سایر استثنائات و محدودیت‌ها همخوانی دارد. در مواردی که ایجاب با قرارداد اختیاری ترکیب شود، امکان بازپس‌گیری محدودتر خواهد بود و ایجاب‌دهنده تنها در چارچوب شرایط معین، توانایی لغو ایجاب را خواهد داشت. این ترکیب، انعطاف‌پذیری لازم برای تنظیم دقیق معاملات را فراهم می‌کند و از ایجاد اختلافات حقوقی و عدم پیش‌بینی‌پذیری جلوگیری می‌نماید (DiMatteo & Hogg, 2016).

در جمع‌بندی، استثناءهای ایجاب لازم ذیل قانون متحدالشکل تجاری، به‌صورت مشخص، بازپس‌گیری ایجاب را محدود می‌کنند و با تعریف دقیق مدت و شرایط، ثبات و اطمینان در معاملات تجاری را تضمین می‌نمایند. این رویکرد حقوقی، تعادل میان آزادی اراده ایجاب‌دهنده و حفاظت از اعتماد مخاطب را برقرار می‌سازد و زمینه‌ای امن برای برنامه‌ریزی و پیش‌بینی تعهدات فراهم می‌آورد. همچنین، ایجاب لازم به دلیل قابلیت الزام‌آور بودن بدون ملاحظات اضافی، نقش حیاتی در تضمین ثبات معاملات تجاری و کاهش ریسک حقوقی ایفا می‌کند.

نتیجه‌گیری

بحث رجوع از ایجاب، در نگاه نخست، امری تکنیکی و محدود به قواعد انعقاد قرارداد به نظر می‌رسد، اما تحلیل تطبیقی سه نظام حقوقی ایران، انگلیس و آمریکا نشان می‌دهد که این موضوع در حقیقت نمایانگر تعارض میان دو اصل اساسی حقوق قراردادها است: آزادی اراده و حمایت از اعتماد مشروع. در هر سه نظام، ایجاب به‌عنوان نقطه آغازین شکل‌گیری اراده قراردادی اهمیت دارد و بدون امکان صدور ایجاب، فرآیند انعقاد قرارداد اساساً امکان تحقق نمی‌یابد. با این حال، آنچه موجب تفاوت بنیادی می‌شود، میزان اختیار ایجاب‌کننده در رجوع و زمان و شرایطی

ایجاب‌کننده را فراهم کند و هم امنیت طرف مقابل را تضمین نماید. این یافته‌ها حاکی از آن است که حقوق تطبیقی می‌تواند منبع غنی برای بازبینی و اصلاح قواعد داخلی باشد و در ایجاد رویه‌ای متوازن و پیش‌بینی‌پذیر برای معاملات نقش اساسی ایفا کند. به‌ویژه در شرایط کنونی که قراردادهای جنبه‌های دیجیتال و بین‌المللی یافته‌اند، تدوین چارچوب‌های روشن برای رجوع از ایجاب، نه تنها یک ضرورت حقوقی بلکه یک نیاز عملی و اقتصادی به شمار می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The concept of revocation of an offer constitutes one of the most fundamental and technically complex institutions in contract law, operating at the intersection of two essential legal values: freedom of will and the protection of legitimate reliance. Modern contract theory recognizes the offer as the initial manifestation of contractual intent, through which a juridical space of expectation is created between the offeror and the offeree, thereby shaping the legal environment in which acceptance may later occur. The revocability of an offer, therefore, does not merely regulate a procedural stage of contract formation but directly influences transactional stability, market predictability, and the allocation of pre-contractual risks. Comparative legal scholarship increasingly emphasizes that the scope of revocation is not determined solely by abstract principles of autonomy but by carefully structured limitations designed to preserve the offeree's reliance interests and the broader integrity of contractual dealings. In Iranian law, the theoretical foundations of revocation are

این بررسی همچنین نشان می‌دهد که رجوع از ایجاب نه تنها یک مسئله حقوقی بلکه مسئله‌ای با پیامدهای عملی و اقتصادی است. امکان یا محدودیت رجوع می‌تواند بر تصمیم‌گیری طرفین، امنیت قراردادها و حتی سرمایه‌گذاری‌های تجاری تأثیر مستقیم داشته باشد. به این ترتیب، فهم دقیق این مسئله برای حقوق‌دانان، قضات، و فعالان اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا هر تصمیمی درباره مشروعیت رجوع می‌تواند اثرات زنجیره‌ای بر ثبات روابط قراردادی و اعتماد بازار داشته باشد.

در نهایت، می‌توان گفت که رجوع از ایجاب، با تمام پیچیدگی‌هایش، نقطه تلاقی میان آزادی اراده و ضرورت حفاظت از اعتماد در قراردادهاست. مطالعه تطبیقی ایران، انگلیس و آمریکا نشان می‌دهد که هر سه نظام، علی‌رغم تفاوت‌های ساختاری و فلسفی، به دنبال یافتن توازنی هستند که هم انعطاف لازم برای

deeply rooted in the jurisprudential doctrines of *īqā'āt*, bindingness (*luzūm*), and permissibility (*jawāz*), with the Civil Code serving as the principal positive law framework (Fallah & Saleh, 2014; Mokarram & Shahlaei, 2025; Safaei, 2024). Iranian jurists generally regard revocation as permissible prior to acceptance unless specific legal or customary conditions convert the offer into a binding commitment, particularly in consideration-based offers or cases where reliance is legally protected (Kaviar et al., 2017; Mirshekari, 2025). In contrast, English and American law, developed within the common law tradition, conceptualize revocation primarily through judicial doctrines emphasizing communication, timing, and reliance, supplemented by statutory interventions in commercial contexts (Andrews, 2020; Arvind, 2022; DiMatteo & Hogg, 2016). This convergence of distinct legal philosophies makes revocation of offer an ideal field for comparative inquiry, revealing how legal systems reconcile contractual freedom with economic security.

Within Iranian law, the legal nature of revocation of an offer is constructed through a combination of jurisprudential doctrine and statutory interpretation. The prevailing approach treats revocation as a unilateral juridical act effective prior to acceptance, grounded in the absence of binding obligation before contractual formation (Mokarram & Shahlaei, 2025). The conceptual distinction between revocation (*rujū'*) and withdrawal (*istirdād*) plays a crucial analytical role: revocation concerns the nullification of an offer after communication to the offeree but before acceptance, whereas withdrawal pertains to retraction before the offer reaches the offeree (Safaei, 2024). Iranian scholars further recognize that revocation may be explicit or implicit, provided the offeree is reasonably made aware of the offeror's change of intent (Asghari Aghamashhadi & Kaviar, 2016). Temporal limitations are central: revocation remains legally effective only until acceptance occurs, after which the contractual bond becomes binding and irreversible (Safaei, 2025; Taherian, 2012). Complexities arise in correspondence and electronic contracts, where the moment of effective revocation depends upon the offeree's access to the revocation notice (Sabilan, 2023; Tousi, 2012). Iranian doctrine also recognizes exceptions where revocation is restricted, such as time-bound offers, consideration-based promises, and situations involving substantial reliance (Ghadiri, 2015; Mohtashami Ardakan, 2014). These limitations reflect the Iranian legal system's evolving commitment to transactional security while preserving doctrinal fidelity to the principle of freedom of will.

English law approaches revocation through the operational mechanics of common law contract formation, where revocation is generally valid until acceptance occurs, subject to strict requirements of communication and timing (Baker & Zhou, 2017; Beale, 2019).

Central to this system is the postal rule, under which acceptance becomes effective upon dispatch rather than receipt, thereby compressing the temporal window in which revocation may operate (Beale, 2019). Consequently, the offeror must ensure that revocation reaches the offeree before the acceptance is posted, or else the revocation becomes legally ineffective (Burrows, 2017). English courts further recognize contractual devices that restrict revocation, most notably the option contract and the concept of the irrevocable offer. Under an option contract, the offeror receives consideration in exchange for keeping the offer open for a fixed period, during which revocation is legally barred (Chen-Wishart, 2022; DiMatteo, 2023). English jurisprudence also recognizes implied limitations on revocation derived from commercial customs and course of dealing (Chernykh & Karton, 2025). These doctrinal mechanisms transform revocation from a purely discretionary right into a regulated institution designed to protect legitimate commercial expectations (Eisenberg, 2018; Haidar, 2021). English law thus exhibits a carefully calibrated balance between contractual liberty and reliance-based stability, mediated by procedural rules and judicially developed exceptions (Cartwright, 2020; Harrington, 2018).

American law develops the doctrine of revocation within a dual framework of common law principles and statutory commercial regulation. The Restatement (Second) of Contracts affirms that revocation is effective only upon receipt by the offeree and only before acceptance (Benson, 2019; DiMatteo & Hogg, 2016). This temporal requirement is reinforced by the Uniform Commercial Code, particularly §2-205, which introduces the concept of the firm offer. Under this provision, an offer made by a merchant in a signed writing assuring that it will be held open becomes irrevocable for the stated

period, even without consideration (Farnsworth, 2010; Graziano, 2019). This statutory intervention reflects the American legal system's emphasis on commercial certainty and market reliability. The distinction between ordinary revocation and irrevocable offers is further elaborated through judicial interpretation, where courts examine reliance, commercial context, and fairness (Bix, 2018; Devenney, 2024). Modern American doctrine also integrates electronic communication into revocation analysis, focusing on receipt and accessibility rather than physical delivery (Friedman, 2020). Through this architecture, American law imposes structural constraints on revocation that significantly enhance the security of commercial transactions while preserving contractual autonomy.

Comparative analysis reveals that although Iranian, English, and American legal systems originate from distinct theoretical traditions, they converge upon a shared regulatory objective: maintaining equilibrium between contractual freedom and the protection of legitimate reliance. Iranian law emphasizes jurisprudential coherence and doctrinal continuity, allowing revocation but restraining it through principles of bindingness, custom, and reliance (Fallah & Saleh, 2014; Kaviar et al., 2017). English law constructs revocation through procedural precision, relying heavily on communication rules and judicial exceptions to safeguard transactional confidence (Beale, 2019; Burrows, 2017). American law, meanwhile, embeds revocation within a sophisticated statutory regime that explicitly limits revocability in commercial contexts (DiMatteo & Hogg, 2016; Farnsworth, 2010). Each system thus arrives at functional equivalence through different normative routes. These structural differences illustrate how legal systems adapt doctrinal tools to economic realities, technological change, and commercial expectations, while pursuing the

same core values of stability, fairness, and predictability.

In conclusion, revocation of an offer stands not as a marginal technicality but as a central organizing principle of modern contract law. Its regulation determines the distribution of pre-contractual risk, the credibility of commercial promises, and the stability of market behavior. The comparative study of Iranian, English, and American law demonstrates that effective contract systems must strike a continuous balance between protecting freedom of will and securing the legitimate expectations of contracting parties. While the mechanisms and doctrinal language may differ, the underlying policy objective remains consistent: preserving confidence in the contractual process. As global commerce becomes increasingly digital and transnational, the refinement of revocation doctrine will play a critical role in ensuring that contract law remains both flexible and trustworthy in an evolving economic environment.

References

- Andrews, N. (2020). *Contract Law*. Cambridge University Press.
- Arvind, T. T. (2022). *Contract Law*. Oxford University Press.
<https://doi.org/10.1093/he/9780198867777.001.0001>
- Asghari Aghamashhadi, F., & Kaviar, H. (2016). Revocation of Offer in the Convention on Contracts for the International Sale of Goods (Vienna 1980). *International Law Review*, 55(1), 233-268.
- Baker, R. A., & Zhou, Q. (2017). *Contract in Context*. Routledge.
- Beale, H. (2019). *Chitty on Contracts* (34th ed.). Sweet & Maxwell.
- Benson, P. (2019). *Justice in Transactions: A Theory of Contract Law*. Harvard University Press.
<https://doi.org/10.2307/j.ctv2524z3h>
- Bix, B. (2018). *Contract Law: Rules, Theory, and Context*. Cambridge University Press.
- Burrows, A. (2017). *A Restatement of the English Law of Contract*. Oxford University Press.
- Cartwright, J. (2020). *Contract Law: An Introduction to the English Law of Contract for the Civil Lawyer* (3rd ed.). Hart Publishing.

- Chen-Wishart, M. (2022). *Contract Law* (7th ed.). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/he/9780192848635.001.0001>
- Chernykh, Y., & Karton, J. (2025). *Research Methods for Contract Law and Scholarship*. Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9781035316472>
- Corbin, A. (1993). *Corbin on Contracts* (Rev. ed.). Matthew Bender.
- Devenney, J. (2024). *Contract Law Concentrate: Law Revision and Study Guide*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/he/9780198904618.001.0001>
- DiMatteo, L. A., & Hogg, M. (2016). *Comparative Contract Law: British and American Perspectives*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780198728733.001.0001>
- DiMatteo, L. D. (2023). *Principles of Contract Law and Theory*. Edward Elgar. <https://doi.org/10.4337/9781803929606>
- Eisenberg, M. A. (2018). *Foundational Principles of Contract Law*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780199731404.001.0001>
- Fallah, M., & Saleh, F. (2014). Comparative Study of Withdrawal of Offer in Iranian Law, Convention on Contracts for the International Sale of Goods, and Principles of International Commercial Contracts. *Dadrasi*, 107(1).
- Farnsworth, E. A. (2010). *Farnsworth on Contracts* (4th ed.). Aspen Publishers.
- Finch, E., & Fafinski, S. (2024). *Law Express: Contract Law*. Pearson.
- Friedman, L. M. (2020). *Contract Law in America: A Comparative Approach*. Cambridge University Press.
- Ghadiri, A. (2015). *Investigating Consensual and Formal Contracts from the Perspective of Iranian Statutory Law and Imami Jurisprudence* Islamic Azad University, Germi Branch, Faculty of Law]. Germi.
- Graziano, T. K. (2019). *Comparative Contract Law, Second Edition: Cases, Materials and Exercises*. Edward Elgar Publishing.
- Haidar, A. D. (2021). *Handbook of Contract Management in Construction*. Springer. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-72265-4>
- Harrington, B. (2018). *Contract Law Essentials*. Pulpifies.
- Katouzian, N. (2024). *Civil Law Course: General Rules of Contracts (Vol. 1: Concept, Formation, and Validity of Contract)*. Ganj-e Danesh.
- Kaviar, H., Asghari Aghamashhadi, F., & Izadifard, A. A. (2017). The Nature of Offer. *Civil Jurisprudence Doctrines*, 15(1).
- Mirshekari, A. (2025). *A Practical Treatise on Contract Law (Vol. 1)*. Sahami Enteshar.
- Mohtashami Ardakan, M. (2014). *Legal Nature and Effects of Pre-contracts* Shahid Bahonar University of Kerman, Faculty of Law and Political Science]. Kerman.
- Mokarram, A., & Shahlaei, N. (2025). *General Rules of Contracts Based on Judicial Precedent*. Ashkan Publications.
- Ranjbar, Z. (2022). *Elements and Methods of Formation of Domestic Contracts with a View to English Law* Rouzbehan Institute of Higher Education, Faculty of Humanities]. Tehran.
- Sabilan, A. (2023). *A Study on the Formation, Effects, Advantages, and Disadvantages of Smart Contracts in the Iranian Legal System* Afagh Institute of Higher Education, Faculty of Economics and Humanities]. Tehran.
- Safaei, S. H. (2024). *International Sales Law: A Review of the 1980 International Sales Convention with a Comparative Study of Iranian, French, English, and US Law*. University of Tehran Press.
- Safaei, S. H. (2025). *Introductory Course on Civil Law: General Rules of Contracts (Vol. 2)*. Mizan Publications.
- Taherian, A. (2012). *Time and Place of Formation of Contracts by Correspondence* Shahid Bahonar University of Kerman, Faculty of Literature and Humanities]. Kerman.
- Tousi, M. (2012). *The Effect of Expiration of Term in Time-Bound Obligations* Tarbiat Moallem University (Hakim Sabzevari University), Faculty of Theology]. Sabzevar.